

## نوروز خمیازه تاریخ و نمایه آزادیست!

حشمت رادفر

مخالفت طیفی از افراطیون مذهبی با نوروز و دیگر نمادها و مناسبت‌های تاریخی و فرهنگی بومی در جغرافیای تمدنی ما سابقه طولانی دارد. اما این تلاش‌ها اگرچه در گستره آگاهی و شعور اجتماعی پیامد برعکس داشته و ارزش مندی این مناسبت را در توالی نسل‌ها تداعی کرده است، اما کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شدن و حتا به فراموشی سپرده شدن بخشی از آیین‌ها و مناسک نوروزی غیر قابل انکار است.

تلاش برای حرام قبولانندن بزرگداشت از این روز از ورای آموزه‌های مذهبی در دوران «دفاع مستقلانه» حکومت داکتر نجیب‌الله و از سوی طلبه‌های جهادی مدارس مذهبی پاکستان به مثابه یک رویکرد تبلیغاتی وارد فضای سیاسی - مذهبی افغانستان شد و از آن پس به برنامه سالیانه مبلغان جهادی / مذهبی ای بدل شد که پسان‌تر به جاده صاف کن‌های طالبان و جریان‌های تروریستی بدل شدند.

این مبلغان تندرو از مناطق قبایلی پاکستان، مدارس مذهبی ولایات مشرقی و جنوبی به شمال و شمال‌شرق و مناطق مرکزی افغانستان سفر می‌کردند و در کنار جهادگرایی، ترویج و تقدیس خشونت، به دشمنی آشکار با ارزش‌ها، داشته‌ها و ریشه‌های تاریخی و تمدنی ساکنان سرزمینی که قرار بود به «ام القرای جهان اسلام» یا لانه امن هراس افگنان بین‌المللی و مرکز جهاد جهانی اسلام بدل شود، نیز آغاز کردند.

به هر پیمان‌ه ای که نوروز در زادگاه اش به انزوا کشانده شده و سال به سال از آیین‌ها و مناسک آن کاسته می‌شود. در ایران، آسیای میانه و شمار زیادی از کشورهای پیرامونی، از دریای خزر تا بحیره سیاه و از شرق میانه تا کرانه‌های چین حدود ۳۰۰ میلیون انسان نوروز را به عنوان جشن باستانی زایش و سرزندگی طبیعت گرامی می‌دارند و این روز همه ساله زمینه و بهانه ایست برای شادمانی و سرور و رقص و پای‌کوبی و آفرینش صدها قطعه شعر و ترانه و تجدید پیمان با فرهنگ نوروز که سهم برانزنده و غیر قابل انکار این حوزه در گسترش فرهنگ و دانش و آگاهی در جهان در کنار دیگر مدنیت‌های پیش‌رو و تأثیر گذار تاریخ بشریت را تداعی و بازنمایی می‌کند.

در سال ۱۳۸۸ خورشیدی برابر با ۲۰۰۹ میلادی، جشن نوروز به عنوان میراث فرهنگی و معنوی بشر از سوی سازمان یونسکو به عنوان جشن جهانی به رسمیت شناخته شد، در منطقه نیز تلاش‌هایی برای بازتعریف نقش و جایگاه نوروز راه اندازی گردید. اولین و آخرین جشن جهانی نوروز به میزبانی افغانستان در نوبهار ۱۳۹۳ در ارگ کابل در سایه تهدیدهای امنیتی و تبلیغات گروه‌های مذهبی به گونه بسیار کم‌رنگ و بی رمق برگزار شد که پس از آن گلیم مراسم رسمی مشترک منطقه‌ای بنام جشن جهانی نوروز در سراسر این حوزه برچیده شد.

با این حال نوروز هم‌چنان نوروز ماند و همان‌گونه که استاد رهنورد زریاب در آستانه نوروز سال ۱۳۹۴ گفته بود، مردمان این حوزه تمدنی بدون توجه به رسمیات و تشریفات حکومت‌های شان نوروز را جشن گرفتند و می‌گیرند و همان‌گونه که طبیعت برای زایش و سبزی‌نگی و خورشید برای نثار سلامی دوباره به طبیعت منتظر اجازه کسی نمی‌نشینند، نیازی برای این‌که سال یک‌بار برای نجات این آیین باستانی از شر تبلیغات ملاهای پاکستانی صف آرایی کنند، نمی‌بینند.

در سالیان پسین در حالی که گرامی داشت نوروز به برگزاری بندار بی‌رنگ و رمق افغانی در باغ بابر و سخنرانی‌های خشک و بی درون مایه

سیاسی در ارگ و مراسم جهنده بالا و میله گل سرخ در مزار شریف خلاصه شده بود، مناسبات و رسم و آیین‌های نوروزی به مرور زمان و تحت تأثیر تبلیغات روحانیت قومی - سیاسی برخاسته از آن سوی دیورند، از متن جامعه تقریباً به فراموشی سپرده شد یا به برگزاری ختم و خیرات‌های فاقد درون‌مایه‌های فرهنگی و تاریخی تقلیل ماهیت داده شد.

هم‌زمان با گسترش تبلیغات نوروز ستیزانه، قلم بدستان و پژوهش‌گران زیادی در تبیین جایگاه نوروز مقاله‌ها و تحلیل‌های زیادی نوشتند. مباحث رسانه‌ای داغ و فراگیر در این باره راه اندازی شده و خلاصه ادبیات نوروزی قابل توجهی تولید شد که بیش‌تر آن به کنکاش در پیوند با حلال و حرام پنداشته شدن نوروز از منظر آموزه‌های مذهبی می‌پرداخت.

ادبیات مذهبی ستیزه‌جویانه با نوروز از حاشیه نویسی فقیه خراسانی قرن دهم هجری به نام ملاعلی قاری به یک حدیث منسوب به پیامبر اسلام مایه گرفته و هم‌چنان قیاس و تأویل تفسیر بردار و سست بنیادی که در این اواخر گروه‌های افراطی از یک آیه از قرآن کریم ارایه کرده‌اند، خلاصه می‌شود. در حالی که در پیوند با نوروز به درازای سه هزار سال و با دست‌کم ۴۰ زبان زنده دنیا، متن و ادبیات و شعر و فرهنگ و فلسفه وجود دارد و فرمان‌روایان این حوزه بزرگ تمدنی، نوروز را به‌عنوان یک آیین فرهنگی و کشاورزی هم‌خوان با طبیعت پاس می‌داشته‌اند.

با این حال آن‌چه بویژه پس از سقوط جمهوریت و سلطه زورمدارانه طالبان بر افغانستان مسلم به نظر می‌رسد این‌که گروه‌های افراط‌گرا و نوروز ستیزان تا حدود زیادی به اهداف خویش رسیده‌اند. برگزاری و بزرگداشت نوروز در سراسر کشور عمل ممنوع اعلان شده، آیین‌ها و رسم و رواج‌های نوروزی تا حدود زیادی رنگ باخته و افغانستان به قبرستان بزرگی شباهت یافته است که بجز از ناقوس مرگ و رنج و اندوه صدا و ادا و رنگ و زنگی ندارد.

ادبیات، پارینه‌گی و پهنای جغرافیایی رسم و آیین‌های نوروزی در حدود ۲۰ کشور منطقه و جهان نه‌تنها که منزوی و فراموش شده نیست که به هزار و یک دلیل در حال افزایش و گسترش هم است. در ایران جمهوری اسلامی نیز در ۴۵ سال گذشته به استثنای مقاطع مشخص، روی خوش و نگاه مثبتی به ارزش‌های تاریخی و تمدنی بویژه نوروز وجود ندارد، اما در تمام این مدت مردم عید نوروز را با آیین‌ها و مناسک و عنعنه‌های آن بر پا داشته و نسبت به حقانیت و ارزشمندی نوروز شک و تردیدی به خود راه نداده‌اند.

همان‌گونه که در آسیای میانه، ترکیه، عراق و بخش‌های دیگری از این حوزه، نوروز در مقاطعی از تاریخ با چالش‌هایی روبرو بوده، اما از آن‌جایی که به‌عنوان یک جشن فرهنگی، مردمی هم‌زمان با خیزش و رویش و زایش طبیعت در ضمیر اجتماعی مردم نهادینه شده است، بر تمامی این موانع و چالش‌ها چیره شده و اکنون در قطار میراث‌های گران‌سنگ بشری معرف فرهنگ، تاریخ و مدنیت حوزه تمدنی زبان پارسی در یونسکو و سازمان ملل متحد قرار گرفته است.

در کنار بی‌میلی و نبود دید ارزش‌مدار نسبت به نوروز در ذهن حاکمان افغان و جهادگرایان کلاسیک و نو، همانند بسیاری از ارزش‌ها و مناسبات فرهنگی و تاریخی این حوزه، ستیز با نوروز از جدال تمدنی - تاریخی اعراب و دیار عجم در لباس دین و مذهب متأثر بوده کما این‌که همواره با ایلغارهای فرهنگی و نگاه حسادت‌آمیز، تقلیل‌گرایانه و سیاسی مجموعه‌های بشری و خُرده فرهنگ‌های پیرامونی هم روبرو بوده است.

در شرایطی که نه‌تنها رسم و آیین‌های نوروزی راه پر ملال انزوا و فراموشی را می‌پیماید بل که سراسر سرزمین ما اسیر پنجه‌های بیدادگر افراطیت مسلح و گروگان‌کهنه درد بدخیم «افغانیت و اسلامیت» است، در کنار کار و پیکار و تلاش برای رهایی و پشتیبانی از نهضت آزادی‌بخش میهنی در حد توان و امکانات ما، آیین‌ها و رسم و رواج‌های نوروزی را بازنمایی و باز پروری کنیم و اجازه ندهیم تا منادیان اسلام سیاسی و جهاد جهانی که در نیم قرن گذشته تمامی عرصه‌های زندگی ما را با افیون افراطیت تخدیر کرده و در افسون ادبیات نفرت‌انگیز و عقلا نیت‌گریز خویش شناور کرده‌اند، هم‌چنان پیکره دردمند فرهنگ، تاریخ و جغرافیای مان را با درد و رنج و اندوه و اسارت دم‌ساز و مبتلا نگه دارد.

### نوروز تان پیروز!